

عنوان مقاله:

واکاوی اسطوره گیلگمش در پرتو رویکرد پل ریکور به استعاره

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه غرب، دوره 1، شماره 3 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسندگان:

محمد مهدی بهرامی - کارشناس ارشد فلسفه، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

علی نقی باقرشاهی - دانشیار گروه فلسفه دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)

خلاصه مقاله:

چکیده: اسطوره گیلگمش اولین متن نگاشته شده توسط بشر می باشد که تاکنون اکتشاف شده و در اهمیت آن همین بس؛ که این متن مکتوب_ گل نوشت_ سرچشمه مدنیت را بین النهرین معرفی می کند. اما مهم تر از این مسئله، فهم مصادیق شگفتی است که ما را به نوع نگرش آدمی؛ به حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح پیوند می زند! از همین رو مواجهه ای هرمنوتیکی به این متن می تواند، ره یافت روشنی را برای درک عمیق تر این اسطوره به دست دهد. نظریه هرمنوتیک پل ریکور، تفسیر را ره آورد دیالکتیک تبیین و فهم می داند و از نظر او زبان را می توان موضوع مطالعه قرار داد. ریکور، میان اندیشه منطقی و استدلالی که رویکرد ابزاری دارد و اندیشه شاعرانه که به صورت نمادین و استعاری است تفاوت قائل می شود. از همین رو به اسطوره ها، بوطیقا و روایت نظر داشته و باور دارد که در واقع تخیل انسانی ضمن بسط در عمق زبان به او این امکان را می بخشد که واژگانی تازه بیافریند یا آنها را برای بیان آنچه به زبان نمی آید به شکلی تازه ترکیب و ارائه نماید. ریکور، با تعریف خاصی که از استعاره ارائه می دهد بر آن است تا ارتباط موثر میان تفسیر و گفتمان را آشکار سازد. زیرا استعاره، آن جنبه از تجربیات ما که انگیزه آشکار شدن دارند؛ اما در زبان هر روزه ما دیده نمی شوند را به بیان در می آورد. این پژوهش قصد دارد بر اساس رویکرد ریکور به استعاره، به خوانشی دوباره از اسطوره گیلگمش پرداخته و به فهم تازه تری از آن دست یابد.

کلمات کلیدی:

واژه های کلیدی: اسطوره گیلگمش، پل ریکور، هرمنوتیک، استعاره، تفسیر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1693035>

